



رهبر انقلاب در دیدار با دست‌اندرکاران حج هشدار دادند

صدا بار گفتیم، اختلاف افکنی مذهبی ممنوع

فرهیختگان رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح روز چهارشنبه در دیدار دست‌اندرکاران حج امسال، حج را ستون زندگی انسان و دربردارنده پیام‌ها و درس‌های مهمی برای ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان دانستند و بر لزوم تأمین امنیت همه زائران به‌ویژه زائران ایرانی به عنوان مطالبه جدی جمهوری اسلامی از دولت میزبان تأکید کردند.

متن بیانات رهبر انقلاب به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمدلله رب‌العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرین سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداه.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مسئولان این حرکت بزرگ الهی و اسلامی حج در امسال. بشارت بزرگی بود که بعد از دو سال تعطیلی، خدای متعال این باب را دوباره بر روی زائران ایرانی، مشتاقان ایرانی و دیگر برادرانی که در کشورهای دیگر هستند گشود. این دعوت الهی است که در باز می کند، راه را به روی شما می‌گشاید؛ این لطفی از طرف کسی نیست؛ این قبول اشتیاق شما و حجاج محترم است از سوی پروردگار عالم. ان‌شاءالله که حج خوبی داشته باشید و با سلامت و امنیت و استجابت دعا و ان‌شاءالله کسب تفضلات الهی با دست پُر همه حجاج به سلامتی برگردید. از بیانات این دوبرادر عزیز هم تشکر می‌کنم و اقداماتی که ذکر کردند که انجام گرفته، اقدامات باارزشی است.

یک کلمه کوتاه درباره حج عرض می‌کنم. حج، یک برنامه مدبرانه الهی است. همه برنامه‌های الهی مدبرانه است لکن این برنامه با زوایایی که دارد و خصوصياتی که دارد و گستره‌ای که دارد، با همه برنامه‌های دیگر فرق می‌کند. این، نشان‌دهنده احاطه علمی حضرت حق (جلت‌عظمته بر وجود انسان، بر دل انسان، بر نیازهای انسان و نه آن هم یک شخص انسان، [بلکه] جامعه بشری، آن هم نه در یک نسل، [بلکه] در طول نسل‌های متمادی است. این احاطه علمی موجب شده است که خدای متعال به تناسب نیازهای بشر و زوایای گوناگون این نیازها این برنامه را در اختیار بشر قرار بدهد، این فرصت را به افراد بشر بدهد که از این استفاده کنند؛ حج یک چنین برنامه‌ای است. لذا شما ملاحظه می‌کنید خدای متعال در سوره مائده بعد از آن که برخی از احکام حج را بیان می‌کند، بعد می‌فرماید: ذَلِك لَّتَعْلَمُوْا اِنَّ اللّٰهَ یَعْلَمُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَاَنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ؛ این چیزهایی که بر شما واجب کردیم، این کعبه و این هدی و این قلائد و مانند اینها، برای این است که شما بفهمید، علم پیدا کنید به احاطه علمی پروردگار؛ بداند خدای متعال با علم به زوایای نیازهای بشری، این شما آشناس، بر اساس آنها برای شما حکم می‌گذارد.

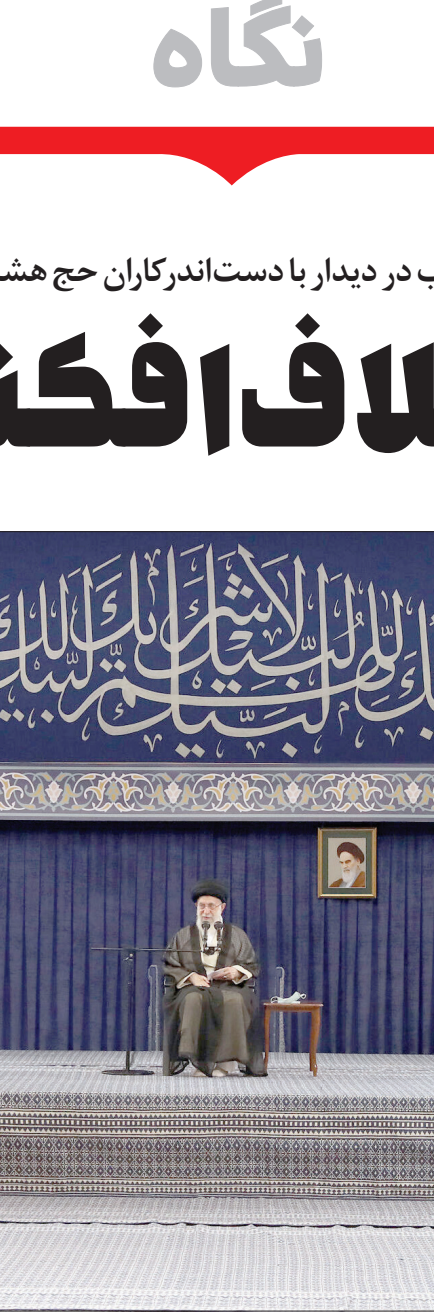
خب چه جوری بفهمیم؟ با تدبیر؛ یعنی این جور هم نیست که همین جوری که انسان نگاه کند، همه چیز برایش روشن بشود؛ نه، باید فکر کند، تأمل کند، تدبیر کند، از دانش و اندیشه بهره بگیرد تا بفهمد که این هدیه‌ای که آنجا قربانی می‌شود، این طوافی که انجام می‌گیرد، این وقوفی که در عرفات یا مشعر می‌شود و امثال اینها، چه تأثیری در زندگی بشر دارد. یعنی حج یک چنین برنامه‌ای است که خدای متعال با علم به زوایای نیازهای بشری، این برنامه را با این همه فروع و جزئیات برای بشر معین کرده، آن هم به صورت مستمر؛ یعنی این جور نیست که یک سال باشد، یک سال نباشد؛ نه، این مستمر در همه این سال‌ها وجود دارد، این برنامه خواهد بود ان‌شاءالله تا ابد ادهر ادامه خواهد داشت. خب، اگر بتوانیم از تدبیر لازم برخوردار بشویم در این زمینه، آن وقت می‌فهمیم که بهره‌مندی‌های انسان از حج مقدار است و این بهره‌مندی‌ها چه گستره عظیمی از زندگی بشر را شامل می‌شود.

قرآن کریم درباره حج در یک جمله کوتاه تقریباً همه حکمت حج را بیان کرده که اگر چنانچه ما بتوانیم فکر کنیم، استفاده کنیم از بیانات معصومین، از تدبیر در قرآن، از این یک کلمه خیلی چیزها می‌شود فهمید. در همین سوره مائده می‌فرماید: جَعَلَ اللّٰهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِیَامًا لِلنَّاسِ؛ [البته] فقط کعبه هم نیست دیگر؛ بعد [دارد] شهرالحرام، هدی و قلائد و امثال اینها– که مجموعه حج را می‌خواهد بیان کند، نه خصوص کعبه شریف را– همه اینها برای چیست؟ قِیَامًا لِلنَّاسِ است. «قیام» در اینجا به معنای مصدری نیست. قیام را اهل لغت و اهل تفسیر معنا کرده‌اند و می‌گویند قیام در اینجا به معنای «ما یقوم به‌الشیء» است؛ [یعنی] استون؛ یک بنایی تکیه به یک ستون می‌کند؛ به این می‌گویند «قیام»؛ آن ستون، قیام است. اینجا خدای متعال می‌گوید که حج، ستون زندگی بشر است؛ این خیلی مهم است. «قیامًا لِلنَّاسِ» است، «مال ناس است» مال من و شما و این و آن، چند نفر، تعداد یک نسل، یک جمعیت، یک مجموعه نیست؛ مال ناس است، مال بشریت است، قیام است برای بشر. این کلمه «قیام» دوبار در قرآن به کار رفته؛ دومرتبه این کلمه قیام در قرآن به کار برده شده؛ یکی درباره ثروت

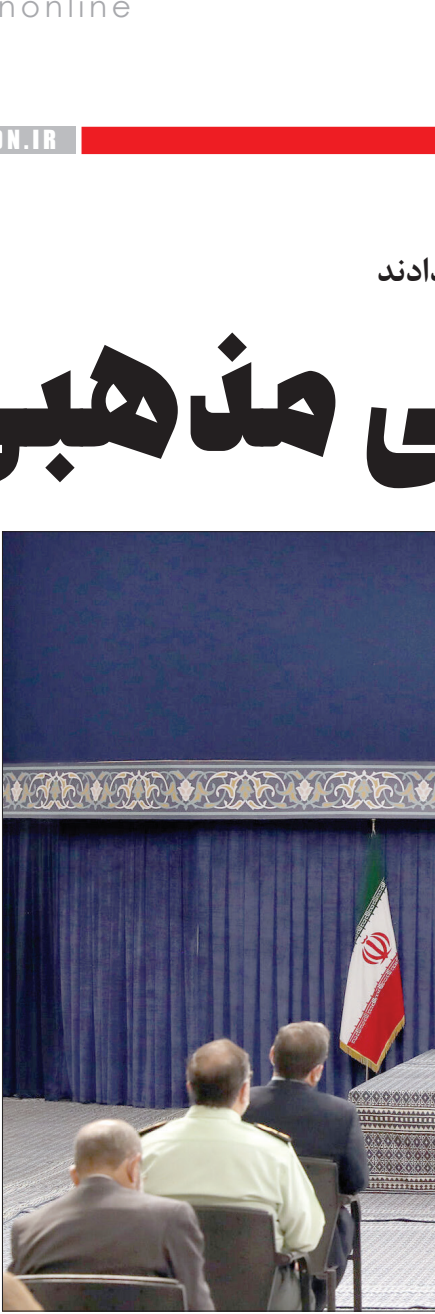
ملی است: لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِی جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ قِیَامًا؛ این فقط اینجا است. اموال را، مال را در جامعه، ثروت را خدای متعال وسیله قیام جامعه قرار داده و واقعهش هم همین است دیگر؛ بدون مال و بدون ثروت که جامعه نمی‌تواند حرکت بکند. نیاز به ثروت و مال دارد؛ از لحاظ جنبه مادی، بشر احتیاج به آن دارد. یکی هم اینجا است: جَعَلَ اللّٰهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِیَامًا لِلنَّاسِ؛ اینجا هم قیام است.

خب، اینجا قیام فقط جنبه مادی ندارد، البته جنبه مادی هم دارد: لِیَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ؛ آن منافع، شامل منافع مادی هم هست اما بیش از این، منافع معنوی است، منافع رفتاری است، منافع اخلاقی است، یاد دادن سبک زندگی است؛ حج این است. آنچه شما در حج–یعنی در همین اعمال حج، مجموع اعمال حج– انجام می‌دهید، در مجموع به شما، یعنی به نسل‌های پی‌درپی و متصل به هم تعلیم می‌دهد که بایستی ارکان زندگی‌شان را چه جوری انتخاب کنند؛ یک جا حرکت است، یک جاسکون است، یک جا پرهیز است، [یک جا] هم تعلیم همزیستی است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حج هست، «همزیستی» است. افرادی که با هم هیچ آشنایی‌ای ندارند، با فرهنگ‌های مختلف، از جاهای مختلف، رنگ‌های مختلف، زبان‌های مختلف اینجا با همدیگر باید همزیستی کنند. فَلَا رَفْثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِی الْحَجِّ؛ یعنی هیچ حق ندارید با هم درگیری پیدا کنید، مشکل پیدا کنید؛ همزیستی [باید کنید]؛ می‌بینید؟ یک قلم، همین همزیستی است. الان مشکلات بشر–نه فقط مشکلات مسلمان‌ها– در دنیا از چیست؟ از این است که همزیستی بلد نیستند؛ به همدیگر زور می‌گویند، از همدیگر بدگویی می‌کنند، جای همدیگر را تنگ می‌کنند، به همدیگر ضربه می‌زنند. حج همزیستی را یاد می‌دهد؛ در یک برهه محدودی یک نمونه‌ای از همزیستی را به شما نشان می‌دهد، می‌گوید این جوری باید زندگی کنید. یک نمونه دیگر، تعلیم «ساده‌زیستی» است. احرام، مظهر ساده‌زیستی است دیگر؛ یعنی هیچ لباس زیادی در احرام وجود ندارد؛ فقط همین که بدن شما را بپوشاند؛ این ساده‌زیستی است. واجب نیست که شما در همه زندگی این جوری [لباس] بپوشید و با احرام زندگی کنید؛ نه، اما می‌خواهد بگوید که این کار را یاد بگیرید؛ یاد بگیرید که می‌شود ساده‌زیستی کرد و باید ساده‌زیستی را ترویج کرد. این هم باز مثل همان موضوع قبلی [یعنی] همزیستی است. اگر شما نگاه کنید، بسیاری از بدبختی‌ها و مشکلات عالم به خاطر این زیاده‌خواهی‌ها و اشرافی‌گری‌ها و تجمل‌پرستی‌ها و مانند اینهاست؛ بخش عظیمی از ثروت عالم دارد صرف این چیزها می‌شود؛ [البته] در همه جا، حالا در کشور ما هم متأسفانه همین جور– در جاهای دیگر ده‌ها برابر، صدها برابر دارد صرف این چیزها می‌شود– [اما] اینجا موظفید به ساده‌زیستی؛ یعنی خصوصیت حج این است که وقتی می‌خواهد تعلیم بدهد، این جوری تعلیم می‌دهد؛ یعنی باید شما این چند روز را این جور ساده‌زیستی داشته باشید. این هم یک تعلیم است، سبک زندگی است.

[نکته بعدی] تمرین «اجتناب، پرهیز». از یک چیزهایی باید ما در دنیا پرهیز کنیم، در زندگی باید پرهیز کنیم. بشر حریص است، بلد نیست پرهیز کردن را؛ اینجا درس پرهیز است، باید پرهیز کنیم؛ پرهیز از محرّمات احرام. همه چیزهایی که در احرام باید از آنها اجتناب بکنید چیزهای معمولی است اما باید پرهیز کنید. باید یاد بگیرید که اگر چنانچه یک حشره‌ای روی بدن شما است به او آسیب نزنید؛ خیلی کار سختی است دیگر. باید عادت کنید که برای تزئین به آیینه نگاه نکنید؛ باید یاد بگیرید این را؛ این یک پرهیز است که در اوقات عادی ممنوع



نیست اما این، تعلیم پرهیز است، پرهیز کردن را یاد بگیرید. ما یاد بگیریم که از یک چیزهایی باید در زندگی پرهیز کرد، این را تمرین کنیم؛ این تمرین در حج هست. ببینید؛ اینجا چه قلم‌های مهمی است در زندگی بشر؛ هم آن همزیستی، هم آن ساده‌زیستی، هم این تمرین پرهیز. یک نکته دیگر، تمرین «استفاده نکردن از چیزهایی که دم دست شما است». بعضی از ما این جوری هستیم؛ بالاخره یک ملاحظاتی داریم، به مال کسی دست نمی‌زنیم و مانند اینها، ولیکن گاهی اوقات یک چیزی در اختیار ما قرار می‌گیرد–بیت‌المال است دیگر؛ در اختیار ما قرار می‌گیرد–یک توجیهی درست می‌کنیم، از این بیت‌المال یک چیزی به یک نحوی و با یک توجیهی برمی‌داریم؛ یک چیزی در اختیارمان قرار گرفته، قبلا که در اختیارمان نبود این کار را نمی‌کردیم. این یکی از بلیات است؛ این یکی از بلیات زندگی بشر است که وقتی چیزی در دسترس او قرار گرفت، اجتناب از آن و مقابله با هوای نفس در مورد آن برایش مشکل می‌شود؛ مثل قضایای گوناگون، مثلاً فرض کنید ارتباط با نامحرم، مسائل جنسی و امثال اینها. یک چیزی در اختیار شما قرار می‌گیرد، باید بلد بشوید حالا که در اختیار شماست، به معنای این نیست که این مباح است؛ این را قرآن به ما یاد می‌دهد در حج: یا أَيُّهَا الدِّیْنُ اءَمِنُوا لِبَيْتِکُمْ اللّٰهُ بَشِیْءٌ مِّنَ الصِّدْقِ ثَنَاءٌ اَبَدِیْکُمْ و رَمَاحُکُمْ، در ایام حج، چون صید بری محرم است، حیوانات راحت می‌آیند در اختیار؛ می‌دانند شکار نمی‌شوند، می‌آیند در اختیار شما قرار می‌گیرند؛ این آهو را یا بز کوهی را اگر می‌خواستید در حال عادی شکار کنید، خیلی کار زحمت‌داری بود، اما حالا نه؛ حالا دست شما هم به او می‌رسد، نیزه شما هم به او می‌رسد، [اما] باید اجتناب بکنید. لِبَيْتِکُمْ اللّٰه؛ خدای متعال شما را آزمایش می‌کند، بَشِیْءٌ مِّنَ الصِّدْقِ؛ با یک جور صید کردن، شکار کردن. البته بحث، سر شکار غیر محرم است؛ بعضی از انواع شکار اصلاً در حال عادی حرام است، اما این مال آن شکاری است که در حال عادی حرام نیست، در حال احرام در حج حرام است. خدا به این وسیله شماها را امتحان می‌کند؛ یعنی تمرین کردن اینکه شما یاد بگیرید وقتی یک چیزی در اختیارتان قرار گرفت، به صرف اینکه کسی ملتفت نیست، متوجه نیست، دست به طرف آن دراز نکنید. البته اینها نمونه‌هاست؛ از این قبیل فراوان است. بنده در مورد طواف و در مورد وقوف و مانند اینها در سال‌های گذشته زیاد صحبت کرده‌ام، دیگران هم بیش از ما و بهتر از ما صحبت کرده‌اند در این زمینه‌ها؛ من این چند نکته کوتاه را خواستم عرض بکنم. «قیامًا لِلنَّاسِ» یعنی این؛ زندگی تکیه به حج دارد. خیلی از مسائل اساسی زندگی، خطوط اصلی زندگی و سبک زندگی، در حج برای شما از آب درمی‌آید؛ یعنی با تأمل و تدبیر در حج و توجه در حج می‌توانید اینها را یاد بگیرید؛ و این مال این نسل نیست، مال همه نسل‌ها است؛ هزار و چهارصد سال و اندی است که این وجود دارد، بعد از این هم هزاران سال به فضل الهی وجود خواهد داشت تا قیام قیامت؛ حج این [جور] است. خدای متعال در یک کلمه اینها را بیان کرده: جَعَلَ اللّٰهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِیَامًا لِلنَّاسِ. خب، چند توصیه من بکنم برای حجاج عزیز و مسئولین حج. اولاً شما مسئولین حج خیلی قدر بدانید این کار را؛ هر کدام‌تان به هر نحوی، چه بخش نمایندگی، چه بخش مدیریت حج و سازمان حج، چه بخش‌هایی که همکاری می‌کنند، بخش بهداشتی، بخش امنیتی، بخش هلال احمر، بخش‌های تبلیغی، صدا و سیما و دیگران و دیگران که همکاری می‌کنند، همه بدانند که دارند کار مهمی را انجام می‌دهند؛ یعنی اشتراک در یک امر مهمی دارند می‌کنند. تَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَالتَّقْوٰی؛ این واقعا تعاون بر بر و تقوا است؛ قدر این کار را بدانید. خب؛



حالا «قدرش را بدانیم» یعنی چه؟ یعنی آن را خوب انجام بدهید. خوب انجام دادن یعنی چه؟ اول این است که با قصد تقرب الی‌الله انجام بدهید؛ چون خدای متعال خواسته، انجام بدهید. بعد هم سعی کنید کار را با بهترین وجهی، متقن، محکم، با ابتکار ان‌شاءالله انجام بدهید. و قدر این کار را بدانید؛ خیلی باارزش است؛ واقعا کارتان کار بارزشی است. بعضی از ما این جوری هستیم؛ با یک توصیه به حجاج محترم است و آن، این است که خودشان را برای بهره‌مندی از این فضای معنوی آماده کنند. انسان همیشه آماده نیست؛ ببینید، نماز که ما می‌خواهیم بخوانیم، به ما می‌گویند قبل از آن، هم وضو بگیریم، هم اذان بگیریم، هم اقامه بگیریم؛ اینها هیچ کدام جزء نماز که نیست اما ما را آماده ورود در ساحت مقدس نماز می‌کند، دل ما را نرم می‌کند؛ باید آماده شد. حجبی که بدون آمادگی باشد، ممکن است کم‌فایده از آب دربیاید؛ در بعضی از احکام حج هم یک اشاره‌هایی به این دارد؛ مثلاً فرض کنید شما در سفر اول حج، [موهای] سرتان را باید بتراشید؛ حلق واجب است. مستحب است که از مدتی پیش موهای سرتان را اصلاً نزنید تا خوب بلند شود، بعد آنجا بتراشید؛ این، آماده کردن خود است برای حج. موی سر که بلند می‌شود، خب زیباتر است، قشنگ‌تر است، بهتر است، [لذا] دل کشدن از آن با اجر بیشتری است. خودتان را آماده کنید برای این فضا؛ با تلاوت قرآن، با ذکر آیات حج، با توجه به ماهیعی که در حج وجود دارد، با شوق به کعبه، با شوق به [زیارت] قبر مطهر پیغمبر اکرم و قبور اولیای معصومین که متمم حج است. این یک نکته که بنابراین آماده‌سازی خود و دل خود برای ورود در ساحت مقدس حج [است.]. یک توصیه دیگر این است که در خود این سفر لحظه‌لحظه‌ها را قدر بدانید. بنده البته قبلا هم مکرر این را گفته‌ام که بازارگردی عیب است؛ به هر نیتی بروید بازارگردی کنید، عیب است؛ مثلاً بهانه درست می‌کنیم؛ ما مال داریم، فلان مورد لازم است، آدم باید [بخرد]؛ نه، لازم نیست. به جای اینکه بروید وقت‌تان را در آن بازارهای مشکل‌دار [صرف کنید]–که حالا دیگر نمی‌خواهم من تعبیرات تندتری بکنم، که واقعا جای تعبیرات تندتر هست– به جای صرف [وقت] در آن بازارها و آن دکان‌گردی‌ها و مغازه‌گردی‌ها، برای آن کسی که می‌خواهید سوغاتی بخرد، بروید در رکعت نماز در مسجدالحرام بخوانید؛ بروید یک طواف دور کعبه برای او بکنید، بروید آنجا دعایش کنید، بروید نیم‌صفحه قرآن برای او بخوانید؛ سوغاتی واقعی این است. آن چیزی که شما در آنجا به‌عنوان سوغاتی تهیه می‌کنید– که گران‌تر از جنس داخل هم هست؛ جنس داخل در موارد متعددی بسیار بهتر از آن هم هست؛ هم بهتر است، هم ارزان‌تر است– این را همین‌جا تهیه کنید. اگر می‌خواهید یک هدیه‌ای هم به کسی بدهید– هدیه خوب است، عیب ندارد– همین‌جا تهیه کنید؛ چرا آنجا تهیه می‌کنید؟ کمک کردن به چه کسی؟ آن هم با چه قیمتی؟ با چه قیمت روحی و معنوی، غیر از قیمت جیبی و مادی! این هم یک توصیه.

یک مطلب دیگر، مساله اتحاد است؛ اتحاد. حج، مظهر اتحاد امت اسلامی است؛ سعی کنید این اتحاد به هم نخورد؛ سعی کنید این اتحاد به هم نخورد. ائمه (علیهم السلام) می‌رفتند در نماز جماعت پیش‌نمازی که در مسجدالحرام نماز می‌خواند شرکت می‌کردند؛ امام صادق می‌رفت شرکت می‌کرد؛ تمعد داشت که شرکت کند و ببینند. این برای چیست؟ چرا ما این حرف‌ها را یادمان می‌رود؟ برای مدبار تکرار می‌کنیم، [اما] باز یکی از آن طرف صدایش بلند می‌شود راجع به مساله شیعه و سنی و اختلافات و شکاف‌ها؛ چرا این کار را می‌کنند؟ چرا به سود دشمن کار می‌کنند؟ نمی‌دانند که

انگلیس‌ها هنرشان ایجاد اختلاف است و یکی از گسل‌ها و شکاف‌هایی که همیشه انگلیس‌ها استفاده کرده‌اند، شکاف بین شیعه و سنی بوده. یواش یواش دیگران هم یاد گرفته‌اند و حالا شما در این اندیشکده‌های آمریکا– اندیشکده‌های سیاسی و امثال اینها– ملاحظه می‌کنید در تحلیل‌هایی که می‌کنند؛ [می‌گویند]: فلان افراد شیعه‌اند، فلان جاها شیعه‌اند، فلان جاها سنی‌اند؛ به آنها هم رسیده شیعه و سنی. نکنید! نکنند! برادرانه با هم زندگی کنید. بله، اختلاف‌نظر هست، در اعتقادات هم اختلاف‌نظر هست، در عقاید هم هست اما اشتراک‌نظر هم هست؛ ما این همه مشترکات داریم؛ این همه موارد اشتراک داریم؛ اینها را به کلی ندیده بگیریم برویم سراغ اختلافات؟ نگذارید! نگذارید! امام (رضوان الله علیه) ممنوع کردند نماز جماعت را در داخل کاروان‌ها. آن‌وقت گفتند «نکنید». بروید آنجا نماز بخوانید، بروید در مسجد نماز بخوانید. این برای همان اتحاد است. این اتحاد را هرچه می‌توانید بیشتر کنید.

یکی از چیزهایی که می‌تواند موجب اتحاد بشود، تماس‌های مبّین و خوب است؛ تماس، خوب است. یکی از چیزهایی که می‌تواند مورد اتحاد باشد، استفاده از این قرآء محترم است. شنیدم باز یک تعدادی قاری بحمدالله امسال دارند می‌روند؛ این بسیار کار خوبی است. این قراء محترم بروند، بخوانند، شنندگان تلاوت کلام‌الله لذت ببرند، کم‌اینکه بنده هر وقت می‌شنوم، واقعا لذت بسیار می‌برم از خواندن و تلاوت اینها. یکی از کارها که وحدت ایجاد می‌کند، همین است. قرآن مایه وحدت بین مسلمین است. و از این قبیل [کارها]. یک مساله، مساله صهیونیست‌ها است؛ یعنی امروز برای صهیونیسم برای دنیای اسلام، بلائی نقد و فوری و دم دستی است. همیشه بلا بوده‌اند، حتی قبل از تشکیل دولت جعلی رژیم صهیونیستی؛ آن وقت هم سرمایه‌دارهای صهیونیستی در دنیا بلا برای جان همه بودند اما الان هم برای به‌خصوص دنیای اسلام بلا است. این را باید افشا کرد، باید گفت؛ حالا به هر شکلی که بلدید، به هر شکلی که می‌توانید. این کسانی و این دولت‌هایی– دولت‌های عربی– که با صهیونیست‌ها با همدیگر دست دادند و مصافحه کردند و روبوسی کردند و جلسه گذاشتند، هیچ سودی نخواهند برد از این کار؛ هیچ ضرر برایشان چیز دیگری ندارد. اولاً ملت‌هایشان مخالفند؛ عرب و غیرعرب؛ حالا بنده گفتم عرب‌ها، غیرعرب‌ها هم بعضی‌هایشان همین کار را کردند. ملت‌هایشان مخالفند، اینها می‌نشینند آنجا با همدیگر قهوه می‌خورند، ملت‌هایشان آن پایین علیه آنها مشت گره می‌کنند و شعار می‌دهند. پس این به ضررشان است. به‌علاوه رژیم صهیونیستی اینها را می‌مکد، اینها را استثمار می‌کند، اینها ملتفت نیستند، نمی‌فهمند؛ البته بعد از چندی خواهند فهمید که امهداریم [آن زمان]؛ دیر نشده باشد. اینها باید افشا بشود. تنها چیزی که این دولت‌ها را وادار می‌کند [به این کار]، خواست آمریکا است؛ می‌خواهند بر طبق خواست آمریکا عمل کنند؛ چون دل آمریکا می‌خواهد، می‌خواهند عمل کنند؛ چون فشار آمریکاست، می‌خواهند عمل کنند؛ فقط همین است و الا واقعا هیچ فایده‌ای برای آنها ندارد.

یک نکته دیگر هم مساله وظیفه دولت میزبان است؛ یک وظایف سنگینی بر عهده‌شان هست. مکه که مال آنها نیست؛ مکه مال همه آحاد مردم است: اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ اِبرای مردم وضع شده؛ سواءَ الْعَاکِفِ فِیهْ و الْبَادِ؛ آن که آنجا ساکن است، و آن که از بیرون می‌آید، همه با هم یکسانند؛ مال همه است؛ مال این دولت که نیست؛ حالا یک دولتی بالاخره در آنجا حاکمیت پیدا کرده و امور آنجا را به دست گرفته، باید بر طبق مصلحت دنیای اسلام عمل کند، نه بر طبق مصلحت خودش. این چیزهایی که نقل کردند از افزایش بعضی از هزینه‌ها و مانند اینها، اینها کارهایی است که باید تجدیدنظر کنند. وانگهی اخیره زوار را باید حفظ کنند؛ بنده امنیت همه زوار دنیای اسلام را و به‌طور ویژه امنیت زوار ایرانی را بجد مطالبه می‌کنم؛ موظفند؛ موظفند که این امنیت را حفظ کنند و نگذارند که فجایع گذشته تکرار بشود.

یک نکته آخر هم [این است که] شما مسئولان حج ببینید می‌توانید زمان حج را کوتاه کنید؛ [این] واقعا یکی از مسائل مهم است. حالا بیست و چند روز مثلاً طول می‌کشد. ببینید می‌شود یک کاری کرد؛ بالاخره کار نشد که ندارد؛ باید راهش را پیدا کرد. بگردید راهش را پیدا کنید ببینید [اگر] می‌شود، زمان حج را کوتاه کنید. حالا وقتی زمان را کوتاه کردید ممکن است کسی بخوادد بیشتر بماند، بیشتر زیارت کند، خب می‌ماند اما اگر کسانی خواستند روز‌تر برگردن بتوانند برگردند؛ ببینید این را دنبال کنید؛ البته کار آسانی نیست، کار سختی است؛ می‌دانم اما درعین حال می‌شود دنبال کرد و فکر کرد.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال به همه شماها توفیق بدهد، کمک‌تان کند بتوانید این وظیفه بزرگ و حساس و مهم را به بهترین وجهی انجام بدهید.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته